

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۶

فصل ۱: ۸-۱۶

آیه حفظی برای ۱۵ ماه فوریه سال ۲۰۲۴

۱ پطرس ۵: ۶

۶ پس زیر دست زورآور خدا فروتنی نمایید تا شما را در وقت
معین سرافراز نماید.

آیه حفظی برای ۲۲ ماه فوریه سال ۲۰۲۴

۱ سمونیل ۲: ۳۰

آنانی را که مرا تکریم نمایند، تکریم خواهم نمود و کسانی که مرا
حقیر شمارند، خوار خواهند شد.

قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمائید، و فصل ۱: ۸-۱۶ را

بخوانید.

۸ اما دانیال در دل خود قصد نمود که خویشان را از طعام پادشاه و از شرابی که او می‌نوشید نجس
نسازد. پس از رئیس خواجه سرایان درخواست نمود که خویشان را نجس نسازد.

۹ و خدا دانیال را نزد رئیس خواجه سرایان محترم و مکرم ساخت.

۱۰ پس رئیس خواجه سرایان به دانیال گفت: «من از آقای خود پادشاه که خوراک و مشروبات شما
را تعیین نموده است می‌ترسم. چرا چهره‌های شما را از سایر جوانانی که ابنای جنس شما می‌باشند،
زشت تر بیند و همچنین سر مرا نزد پادشاه در خطر خواهید انداخت.»

۱۱ پس دانیال به رئیس ساقیان که رئیس خواجه سرایان او را بر دانیال و حنّیا و میثائیل و عَزْرَیا

گماشته بود گفت:

۱۲ «مستدعی آنکه بندگان خود را ده روز تجربه نمایی و به ما سبزیجات برای خوردن بدهند و آب به جهت نوشیدن.

۱۳ و چهره‌های ما و چهره‌های سایر جوانانی را که طعام پادشاه را می‌خورند به حضور تو ملاحظه نمایند و به نحوی که خواهی دید با بندگان عمل نمای.»

۱۴ و او ایشان را در این امر اجابت نموده، ده روز ایشان را تجربه کرد.

۱۵ و بعد از انقضای ده روز معلوم شد که چهره‌های ایشان از سایر جوانانی که طعام پادشاه را می‌خوردند نیکوتر و فربه‌تر بود.

۱۶ پس رئیس ساقیان طعام ایشان و شراب را که باید بنوشند برداشت و سبزیجات به ایشان داد.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مقدمه و مرور: در جلسات گذشته مطالعه کردیم که کتاب دانیال نبی از یک دوران بحرانی در تاریخ اسرائیل شروع می‌شود و تا زمان آمدن دوم مسیح، به ما تعلیم می‌دهد. این کتاب یک دید کلی از تاریخ و آینده جهان به ما می‌دهد که در ضمن بسیار عملی است.

دیدیم که مطلب اصلی کتاب دانیال نبی در ۴: ۳۲ خلاصه شده است: **"حضرت متعال بر ممالک**

آدمیان حکمرانی می‌کند." در فصلهای کتاب دانیال نمونه‌های بسیاری پیدا می‌کنیم که خداوند هم بر ممالک و هم بر زندگانی تک تک افراد حاکم است.

در جلسات گذشته دیدیم خداوند، اورشلیم و معبد اورشلیم را بخاطر گناهانشان به دست نبوکدنصر بت پرست سپرد. و نبوکد نصر طبق سیاست کلی امپراطوری بابل هر سرزمینی را که فتح می‌کردند، جوانان نخبه آن سرزمین را به اسارت به بابل می‌بردند تا در فرهنگ، زبان و آداب و رسوم بابلیان غرق شوند، و سپس از آن جوانان برای اداره امور اسرائیل تحت اشغال، استفاده کند.

و نبوکد نصر آن جوانان را می‌سپارد بدست یکی از مقامات بلند پایه دربارش به نام اشفناز. و مقرر می‌کند که برای سه سال آموزش ببینند و از سفره شاهانه او خوراک و شراب دریافت کنند. و دلیل این کار هم این بود که آن اسیران یهودی را مدیون و کاملاً مطیع خود سازد.

ولی چهار نفر، فقط چهار نفر در این دام نمی افتند. و نامهای آنها در آیه شش ذکر شده است.
آیه ۶ و در میان ایشان دانیال و حَنَنیا و میشائیل و عَزْرَیا از بنی یهودا بودند.

۸ اما دانیال در دل خود قصد نمود که خویشان را از طعام پادشاه و از شرابی که او می نوشید نجس نسازد. پس از رئیس خواجه سرایان درخواست نمود که خویشان را نجس نسازد.

دانیال از قبل در دل خود راسخانه تصمیم گرفته بود که خود را با غذای پادشاه و شراب او ناپاک نسازد. چون آن خوراکها با مقررات غذاهائی که یهودیان بر اساس تورات، بخصوص کتاب لایوان می توانستند بخورند، مغایرت داشت.

دانیال و دوستانش جای مرز را کشیدند که کلام خدا کشیده بود. جای مرز را بکشید که کتاب مقدس کشیده است. ودقت کنید! این ایستادگی دانیال و دوستانش برای آنها خطر جانی داشت. امر ساده ای نیست که شما در پاسخ پادشاه سنگدلی چون نبوکد نصر که شما را شریک سفره پادشاهی خودش کرده است، برگردید و بگویند: نه متشکرم غذای شما مرا نجس و ناپاک می سازد!!! و این ما را به آیه نهم می رساند. آیه نهم، آیه ای است کلیدی. در اینجا شما برای بار دوم حاکمیت مطلق خدا را در این فصل اول کتاب دانیال می بینید. آیه ۹ می فرماید:

۹ خداوند، دانیال را در نظر اشفناز عزیز و محترم ساخت.

دقت کنید! این خداوند عیسی مسیح بود که مداخله می کند و دانیال سرفراز می سازد. چرا؟ چون دانیال حاضر نبود با دنیا سازش کند.

مطالعه امروز: بگذارید یک رویداد واقعی را برایتان بگویم. در سال ۱۹۲۴، در مسابقات المپیک آن سال، همه مفسران و خبرنگاران ورزشی مطمئن بودند که دونده به نام اریک لیدل، مسابقه دوی ۱۰۰ متری را خواهد بُرد. شاید شما داستان زندگی او را در فیلم عرابه های آتشین، *Chariots of Fire* دیده باشید. ولی در آن سال، در مسابقات المپیک اشکالی پیش آمد. مسابقه دوی ۱۰۰ متری برای روز یکشنبه گذاشته شده بود. ولی اریک لیدل یک ایماندار مسیحی متعهد بود. حاضر نبود پرستش خداوند را در روز یکشنبه به کناری بگذارد تا در مسابقه دو المپیک شرکت کند. در حالیکه بسیاری ایمانداران مسیحی امروزی به راحتی و برای هر علتی، پرستش خداوند در کلیسا را حاضرند به کناری بگذارند.

دوستان و طرفداران اریک لیدل شروع می کنند به مسخره کردن او. روزنامه ها او را دیوانه و فناتیک خوانند. حتی پادشاه انگلستان برایش نامه می نویسد و به او فرمان می دهد که بخاطر نام کشورش در مسابقه شرکت کند. ولی لیدل یک قدم عقب نرفت و سازش نکرد. و در آن روز یکشنبه به کلیسا می رود و خداوند را عبادت می کند.

هفته بعد، سری مسابقات ۴۰۰ متری بود، در روزی وسط هفته. یکی از دوندگان به علت بیماری نمی توانست در مسابقه شرکت کند. اریک لیدل داوطلب می شود که در آن مسابقه بجای آن شخص شرکت کند. در حالیکه آن مسابقه، دوی ۴۰۰ متری بود و لیدل خودش را برای دوی ۱۰۰ متری آماده کرده بود. ولی در آن مسابقه دوی ۴۰۰ متری اریک لیدل در مدت زمان ۴۷ ثانیه و هشت دهم ثانیه برنده می شود و رکورد مسابقات المپیک را می شکند. خداوند به او مدال طلایش را می دهد. چون خداوند می فرماید: **آنانی را که مرا تکریم نمایند، تکریم خواهم نمود و کسانی که مرا حقیر شمارند، خوار خواهند شد (۱ سمونیل ۲: ۳۰).** کسانی که در این دنیا تاثیر عمیقی برای جلال خداوند گذاشته اند، کسانی بوده اند که معیار هایشان بالاتر از سطح معیارهای دیگران بوده است. فقط آن حداقل کاری که از آنها خواسته شده است را انجام نمی دهند، بلکه بمراتی بالاتر می روند.

سپس می خوانیم که در آیه ۱۰ اشفناز، این مقام بلند پایه دربار نبوکد نصر، مشکل خودش را با دانیال اسیر در میان می گذارد:

۱۰ پس رئیس خواجه سرایان به دانیال گفت: «من از آقای خود پادشاه که خوراک و مشروبات شما را تعیین نموده است می ترسم. چرا چهره های شما را از سایر جوانانی که ابنای جنس شما می باشند، زشت تر ببیند و همچنین سر مرا نزد پادشاه در خطر خواهید انداخت.»

به عبارت دیگر اشفناز به دانیال می گوید: دانیال، من به تو و دوستانت احترام می گذارم بخاطر اینکه قاطعانه بر روی ایمانتان ایستاده اید. ولی از نبوکد نصر می ترسم. چون اگر بعد از سه سال تو و دوستانت که غذای پادشاه را نخورده اید از مابقی ضعیف تر و نحیف تر باشید، پادشاه سر مرا قطع خواهد کرد. جالب است که این مقام بلند پایه دربار امپراطور در ترس هست، ولی این چهار نوجوان ۱۴ یا ۱۵ ساله یهودی از کسی نمی ترسند غیر از خداوند.

اشفناز در خواست دانیال را رد می کند. ولی دقت کنید به واکنش دانیال. نه عصبانی می شود، نه شروع می کند به بی ادبی کردن، و نه از موضع خودش یک قدم به عقب می رود. می داند که در تحت حفاظت الهی است پس فکر می کند تا راه دیگری پیدا کند. اگر من و شما هم زندگانی داشته باشیم که خدا در آن جلال پیدا کند، با گناه سازش نکنیم، بلکه با آن مبارزه کنیم، معیارهای مان بالاتر از دیگران باشد، خداوند خودش از ما حفاظت می کند و در مقابل مشکلات به ما حکمت می دهد.

خداوند به دانیال حکمت می دهد تا راه حلی را به اشفناز پیشنهاد کند. و آنرا در آیات ۱۱ الی ۱۳ می

بینیم.

۱۱ پس دانیال به رئیس ساقیان که رئیس خواجه سرایان او را بر دانیال و حَنَنیا و میثائیل و عَزْرَیا

گماشته بود گفت:

۱۲ «مستدعی آنکه بندگان خود را ده روز تجربه نمایی (این شجاعت می خواهد!) و به ما

سبزیجات برای خوردن بدهند و آب به جهت نوشیدن.

۱۳ و چهره‌های ما و چهره‌های سایر جوانانی را که طعام پادشاه را می‌خورند به حضور تو ملاحظه

نمایند و به نحوی که خواهی دید با بندگان عمل نمایی (این ایمان می خواهد).»

به شما اطمینان می دهم ده روز سبزیجات خوردن فرق زیادی در بدن شما بوجود نمی آورد.

اصل مطلب رژیم غذایی این نوجوانان نبود، بلکه وفاداری خداوند بود. باز هم خداوند است که مداخله می کند. وقتی دل شما پاک باشد، زندگی شما پاک باشد، ایمانتان بر خداوند عیسی مسیح خالص باشد، آن موقع یک نوع حس شکست ناپذیری در شما بوجود خواهد آمد. دانیال از وفاداری و حفاظت خداوند مطمئن بود.